

گوشه‌ای از تاریخ معاصر عراق

بریتانیاس از اعلامیه‌ای که «نجات‌دهنده‌ها» ملول کشید و خسارات مالی و جانی فراوانی بر نیروهای آنها از دست ساخت ، بخوبی دیدند که حکومت مستقیم و بدون واسطه بر عراق غیر مقدور بوده و ادامه آن کلافه‌بر عمیق است ، و تماس قهری و دائمی بین فرمانداران و رؤسای خارجی ادارات و تک‌کیلات حکومتی (۱) و نواد مردم ، نتایج سوئی در بر داشته و آنها را وادار به انقلاب‌های دیگر خواهد نمود ؛ پس چه بهتر که از اول ، و پس از یکبار آزمایش ، در فکر نقشه صحیحی باشد تا بتواند ضایع خود را برای مدت بیشتری در عراق حفظ کند و آجرا برای خود نگهدارد !

برای همین منظور « سر . پرسنی کاکس » که ایندفعه عنوان « نماینده عالی » عراق آمده بود ، مقدمات تشکیل « حکومت موقت » را ترتیب داد . . . پس در واقع اساسی ترین و مهم‌ترین نتایج انقلاب ملی ، علاوه بر نتایج اجبار دیگری که داشت ، انحلال تدبیری و در عین حال سریع قدرت و نفوذ استعمار ، و تقویت اجباری ادارات و تشکیلات دولتی به افراد عراقی بود .

شوریه‌شکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

حکومت موقت :

« سر پرسنی کاکس » نامور پیش خود را به عنوان نشانی بخشی ایجاد داد و شیخ عبدالرحمن گیلانی « رئیس اشراف و بندگان زانانغ ساخت که باید در راست اولین حکومت ملی » عراق را قبول کند ، و از اینکه او را که خود را « درویش » مینامید ؛ باین امر قانع ساخته بود بخوشه‌باید ، زیر اشبع عبدالرحمن گیلانی « لاو » بر اینک در بغداد و شمال عراق نفوذ

(۱) : در دوره فرمانروایی « کفئل ویلسون » حاکم انگلیسی عراق در دوره اشغال ، اداره امور اداری عموماً دست افراد انگلیسی بود ، ولی پس از انقلاب و قبل از « امیر فیصل » قسطنطنیه از آن بدست مردم عراق داده شد ، و این خود یکی دیگر از نتایج و آثار انقلاب ملی عراق بود .

فوق العاده‌ای داشت ؟ چون منتسب به مرشد معروف « شیخ عبدالقادر گیلانی » بود ؟ درویشهای «هنده» هم بوی نظری داشتند .

اولین حکومت عراقی ، بریاست شیخ عبدالرحمن گیلانی که خانه نشین بود ، دوغانه ویویا حضور «نایبده عالی» تشکیل یافت ولی چیزیکه دوشن بود ، این بود که این حکومت هرگز نمیتواند برای مردم انقلابی و مجاهد مسلمان قابل تحمل و با ارزش باشد ، زیرا سرزشته کارها در دست نایبده عالی بود حتی وزراء کاتبه شیخ عبدالرحمن را هم در واقع وی انتخاب کرده بود ! (۱)

امیر فیصل :

از آنجا بود که نایبده عالی بریتانیا بفکر تشه اساسی تری افتاد ، و آن اینکه برای «عراق» پادشاهی انتخاب کند ، ولی اشکال کار در این بود که کاندیداهای این مقام یکی دو تا نبود ، عراقی و غیر عراقی خود را کاندیدا کرده بودند هر کدام هم طرفدارانی داشت قبل از همه «سباطال» - سرتیپ بهره - خود را لایق این مقام می دانست و در این راه فعالیت میکرد ولی او در واقع میخواست بر سر و حوالی آنرا خود اختصاص دهد و همانند حکومت شیخ شوعل در عربستان و پادشاه کویت ، حکومتی برای خود تأسیس کند ، و بریتانیا ناچار شد که او را اجزیره « صیلان» تبعید کند تا از فکر ریاست بماند ؛

کاندیدای دوم « شیخ عبدالرحمن گیلانی» بود که رئیس حکومت موقت هم بود ، و از طرفی مورد توجه دستگاه استعماری هم بود ، ولی او را هم نایبلی کنار گذاشتند . کاندیدای سوم « عبدالهادی باشاعری » که طرفدارانی در «موصل» داشت ، و کاندیدای چهارم از اسلامین عثمانی و کاندیدای دیگری از ایرانیان بود ؛ و بعضی ها هم « آقا خان محلاتی » را برای این مقام لایق میدانستند . - و همچنین ...

ولی بیشتر از همه اسم امیر فیصل (۲) که در حجاز بود ، برده میشد ، و چون عراقیها هم مایل بودند که کسی از خاندان هاشمی باشد ، لذا بریتانیا بلافاصله بفکر امیر فیصل افتاد که چند ماه قبل پادشاه سوریه شده و بعداً معروف گردیده بود البته انتخاب فیصل برای این مقام وقتی نظمی شد که در کنفرانس « قاهره » که بریاست «جرجیل» (و ذریعستمرات

(۱) : معاصران عن العراق من الاحتلال حتى الاستقلال از «عبدالرحمن بزاز» چاپ - قاهره - ص ۴۳ - ذیل بحث «الحکومة النوفه» .

(۲) : امیر فیصل مردی بود از کشور عثمانی «حجاز» و فرزند سابق نیروهای «امیر حسین» شریف مکه در نبردهای سحرا ، و مدت کسی هم فرمانروا و پادشاه «سوریه» شد سپس از آنجا که تحت نفوذ استعمار فرانسه بود ، طرده شد و سرانجام کاندیدای سلطنت عراق شد بلافاصله بر آن آمد . . .

آر روز) تشکیل شده بود و از عراق هم نایبده عالی شرکت داشت ، بصورت رسید و «سپس «جرجیل» در مجلس انگلستان نظمی ایراد کرده و عطف انتخاب فیصل دایین داشته و اعلام داشت که : اگر ملت او را قبول کند ؛ بریتانیا هم طرفداری خواهد کرد .

سپس طی یک قرارندوم طبیعی ؛ معلوم شد که ۱۹۶۰ از مجموع انتخاب کنندگان با سلطنت فیصل موافق بوده اند و امیر فیصل هم بلافاصله در ۱۸ ذیحجه الحرام ۱۳۳۹ هـ (۲۳ اوت ۱۹۲۱م) که مسافد بارو عید غدیر بود ، تاجگذاری کرده و رسماً تحت سلطنت نشست (۱) در اینجاست که «ژورنل تردوال» منشی « پرسی کاکس» مینویسد : «امور سیاسی مانند چرخشی که خوب روغن خورده باشد بسرعت جریان داشت » (۲)

و «ژرنال بی برکلر» هم در کتاب خود : «مسئله عرب» در این باره مینویسد : « انگلستان ابتداء بفکر رشده عالی بود که بعداً هر شورش ۱۹۹۴م گردید (۳) این شخص از نسل شیخ عبدالقادر الگیلانی است که مقبره اش در بغداد بود اگر ام و احترام اهل تنن میشد اما این راه حل ، یعنی انتخاب فیصل بهتر بود ، زیرا پسر حسین دایسلطنت عراق نشانند از یکطرف دوبرابر بند تقریباً دای مبد پشاد میراث و از طرف دیگر هم آتعمطبی و از دست نداده بودند . فیصل قومیت انگلستان را پذیرفت و سلطنت عراق برقرار گردید . . . (۴)

(۱) : راجع به چگونگی انتخاب ملک فیصل به سلطنت عراق بکتابهای تاریخ العراق السياسي الحديث ج ۱ ص ۱۵۰ به دوالتوراة العرابیه الکبری ص ۲۲۲ به دو العراق من الاحتلال حتى الاستقلال ص ۴۸ به بعد . مراجعه شود برای رعایت اختصار از تفصیل این مطلب خودداری شد . (۲) : بنقل تاریخ خاورمیانه تألیف دژرژ کینی فسکی ترجمه دکتر هادی جزایری طبع طهرانی ص ۲۴۱

(۳) : نویسنده کتاب «مسئله عرب» در اینجا اشتباه کرده است ، زیرا رشده عالی گیلانی از دشمنان سرسخت بریتانیا بود . چنانکه در شماره آینده خواهد آمد و بیوجه کاندیدای سلطنت عراق هم نبود ، بلکه چنانکه در همین شماره گفته شد شیخ عبدالرحمن گیلانی رئیس اشراف بغداد - که مسافداً قلابلی رئیس و نخست وزیر حکومت موقت عراقی شده بود ، نخست از طرف بریتانیا کاندیدای این مقام شد ولی بعداً بیری و مرض عدم تمایل شخصی وی باین مقام - که در غشی باین کارها نداشت و خود را در پیشی میش نیدانست - و از طرف دیگر نبودن وارثه عالی دیگری باعث شد که ویرا کنار گذاشته و از او صرف نظر کنند (دجوع شود به : العراق من الاحتلال حتى الاستقلال ص ۴۹ . . .)

(۴) : مسئله عرب تألیف ژرنال بی برکلر ، ترجمه عباس شوخی (نشریه ۱۳۸) مجموعه چه میدانم ؟ ص ۵۸ .